

## تبشیری هادر عصر قاجار-1

مبلغان مسیحی معتقد بودند يك پزشك مبلغ، باید نسخه زنده انجیل باشد، چون پزشکان می‌توانند با التیام بخشیدن به دردهای بیماران، تأثیر عمیقی در روحیه آنها ایجاد کنند. بر این اساس، آنان بر این باور بودند که پزشک هیأت تبلیغی نباید هیچ‌گاه فراموش کند که وی در وهله اول يك مبلغ است تا يك پزشک. طبیعی است برخلاف يك معلم مبلغ که تنها با کودکان سروکار دارد، يك پزشک مبلغ، می‌تواند با تمامی قشرهای مختلف اجتماعی ارتباط برقرار کند و در شرایطی که بیمار شدیداً به کمک وی احتیاج دارد، به‌نوعی مقدمات تبلیغ و تبشیر وی را فراهم سازد.

### عملکرد مبلغان مسیحی در ایران در دوره قاجار احمد رهدار

اشاره:

چرا استعمار و مسیحیت دست در دست یکدیگر به سیاحت و نفوذ در شرق می‌پرداختند و چه رابطه تنگاتنگی میان آنها وجود داشته است؟ تفصیل جالبی پیرامون این موضوع در مقاله زیر فراهم گردیده است که تقدیم شما می‌گردد.

سرزمین ایران از دیرباز شاهد حضور مسیحیان (به‌ویژه نسطوریان) بوده است. تا پیش از پنج سده قبل، تعامل ایرانیان با مسیحیان - که بسیاری از آنان خودشان ایرانی بودند - بیشتر اقتصادی و معیشتی و کمتر سیاسی - دینی بود. اما از آن پس، به‌ویژه به تبع شکل‌گیری عملی استعمارگری، که ارتباط بیشتر ملل و نحل ضرورت یافت، مذهب و عقاید دینی در این ارتباط از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده‌اند تا جایی که در قرون اخیر، استعمار تلاش کرده است از همین محمل، برای پیشبرد اهداف استعماری خود بهره ببرد. به‌همین دلیل، نهادهایی که مذهب و عقاید را نمایندگی می‌کردند - از جمله دستگاه کلیسا - بیش از پیش رنگ سیاسی به خود گرفت و به موازات توسعه و گسترش استعمارگری، فعالیت آنها نیز پیچیده‌تر شد. این نوشتار در صدد است پس از بررسی کلی ماهیت، شیوه و گستره فعالیت مبلغان مذهبی - سیاسی از سه قرن پیش تاکنون، به معرفی سه تن از موثرترین این مبلغان: هنری مارتین، ژوزف ولف و رابرت بروس بپردازد.

نگاهی کلی به فعالیت های مبلغان مسیحی در ایران

1. ترجمه و پخش انجیل  
مقارن سال‌های پایانی قرن 18 م (13 ق) و با تأسیس و سازمان‌یافتن انجمن‌های تبلیغی در اروپا، به‌ویژه در انگلستان، و به دنبال گسترش اهداف توسعه‌طلبانه و استعماری این دوران در مشرق‌زمین، سیل مبلغان پروتستان به سراسر جهان و به‌ویژه به سرزمین‌های شرق، سرازیر شد. در این بین، به سبب سیادت سیاسی انگلستان در هندوستان، این سرزمین به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز فعالیت مبلغان مذهبی انگلستان انتخاب شد. اما زبان هندی تنها زبان رایج در این سرزمین نبود، بلکه زبان فارسی به عنوان زبان ادبی، زبان مشترک در سراسر هندوستان و زبان محاکم اسلامی و دادگاه‌های قضایی بریتانیای کبیر در هندوستان بود. نظر به اهمیت زبان فارسی، مبلغان مسیحی که در هندوستان فعالیت می‌کردند، در صدد برآمدند برای پیشبرد مقاصد تبلیغی خود، متن کتاب مقدس را به زبان فارسی ترجمه کنند و نسخه‌هایی از این کتاب را در اختیار عامه مردم هندوستان قرار دهند. مهم‌ترین و فعال‌ترین این مبلغان هنری مارتین بود. وی طی سفر به ایران کتاب عهد جدید - انجیل‌های چهارگانه - را ترجمه کرد و پس از مرگ او نیز این ترجمه‌ها با کمی اصلاحات سه بار تجدید چاپ شد و از حدود سال 1827 (1243 ق) به مدت نیم قرن به عنوان تنها ترجمه از انجیل در این سرزمین مورد استفاده قرار گرفت.

بیست و شش سال پس از ترجمه انجیل هنری مارتین، يك مبلغ اسکاتلندی به نام ویلیام گلن (William Glen) که در قفقاز با هیأت تبلیغی بازل همکاری می‌کرد، کار ترجمه کتاب عهد عتیق را بر عهده گرفت. در واقع، کتاب عهد عتیق نیز یکی از ابزارهای کار مبلغان مسیحی بود؛ چراکه با ورود به قرن نوزدهم (سیزدهم قمری) و رشد آرا و عقاید عقل‌گرایانه، برخی مندرجات کتب مقدس مورد انتقاد قرار گرفت. بدین ترتیب و به قول گورنفلد - محقق آلمانی - اگر تاریخی بودن موضوع‌های این دو کتاب مقدس مردود شمرده می‌شد، مسیحیت نیز بی‌اعتبار تلقی می‌گردید. از این جهت مبلغانی مانند گلن در صدد برآمدند یا ترجمه نسخه‌هایی از کتاب عهد عتیق که در شرق موجود بود، هم درباره این کتاب تحقیق به عمل آورند و هم ابزار تبلیغ مبلغان را تکمیل کنند. گلن، مزامیر و کتاب امثال را نیز به فارسی ترجمه کرد. مبلغان منفرد، بازرگانان و نمایندگان سیاسی کشورهای اروپایی، این دو کتاب و دیگر کتب و رسالات انجمن‌های تبلیغی را پخش می‌کردند.

سرانجام رابرت بروس پس از ورود به هندوستان و اقامت در ایران، در ترجمه کتاب عهد جدید هنري مارتین و عهد عتیق گلن تجدیدنظر به عمل آورد و آن‌ها را دوباره تصحیح کرد. ترجمه جدید بروس از عهد جدید، از حدود سال 1891 (1309ق) تا به امروز آخرین ترجمه از این کتاب است. بروس به سبب ترجمه این دو کتاب، از سوی «انجمن انجیل برای بریتانیا در خارج» به عنوان نماینده انجمن در ایران انتخاب شد. پس از او نیز این انجمن و انجمن تبلیغی کلیسا نمایندگان را برای نظارت بر ترجمه کتب و ادعیه مذهبی به ایران فرستادند که فعال‌ترین آن‌ها مبلغی به نام تیزدال (Tizdall) بود.

مراکز اصلی انجمن تبلیغی کلیسا و انجمن انجیل برای بریتانیا در خارج، در تهران و اصفهان متمرکز بودند و تقریباً در فاصله زمانی حدود صد سال - از آغاز تا پایان دوره قاجاریه 17412 جلد حاوی بخش‌هایی از تورات، بیست‌هزار جلد انجیل، شصت و چهار هزار جلد عهد جدید، به همراه عهد عتیق و مزامیر را چاپ و برای استفاده عامه مردم در ایران منتشر کردند؛ حال آن‌که در آن زمان تعداد جمعیت باسواد ایران از ده‌هزار نفر بیشتر نبود.

## 2. انتشار کتب مذهبی در کنار کتاب مقدس

مبلغان مذهبی در سفرهای تبلیغی خود، همواره شماری از کتب مذهبی را نیز به همراه داشتند و با تکیه بر مندرجات آن‌ها موعظه می‌نمودند. آن‌ها پس از موعظه، نسخه‌ای از این کتاب‌ها را به شنوندگان اهدا می‌کردند تا در صورت لزوم با مطالعه آن به پاسخ سؤالات خود دست یابند. به عبارتی کتب و رسالات مذهبی مسیحی در تاریخچه فعالیت مبلغان مسیحی اهمیت قابل‌توجهی داشتند و نگارش، چاپ و انتشار آن‌ها از جمله فعالیت‌های اصلی هیات‌های تبلیغی مسیحی محسوب می‌شد. در این بین، تالیف کتاب‌هایی درباره زندگی‌نامه مبلغان معروف و فعال در تاریخچه تبلیغ مسیحیت نیز بخشی از این فعالیت‌ها بود. بسیاری از مبلغان مسیحی اگر نمی‌توانستند در کشورهای شرقی کتاب‌های مورد نظر خود را چاپ و منتشر کنند، آن‌ها را در اروپا به چاپ می‌رساندند. البته چاپ این کتاب‌ها در داخل کشورهای شرقی مورد تبلیغ، بهتر و سیاسی‌تر بود و لذا آن‌ها علاقه بیشتری داشتند که این کار را در خود این کشورها انجام دهند.<sup>1</sup>

## 3. چاپ و نشر سرودهای روحانی مسیحی

با ورود تیزدال به جلفا، دوران طلایی خلق آثار ادبی در انجمن تبلیغی کلیسا آغاز شد. وی با خرید یک دستگاه تایپ و یک دستگاه چاپ که به دستگاه چاپ هنري مارتین معروف بود، چاپ و نشر کتب مختلف را آغاز کرد. از جمله وی نسخه اصلاح‌شده‌ای از یک کتاب دعا را به زبان فارسی چاپ نمود. پس از این تاریخ، هیات انجمن تبلیغی کلیسا با همکاری هیات تبلیغی مبلغان امریکایی، کار ترجمه کتب سرود مذهبی را در سطح وسیع‌تری آغاز کرد که نتیجه آن چاپ سه دوره از سه کتاب سرودهای مذهبی با عنوان سرودهای روحانی مسیحی بود. اهمیت ترجمه سرودهای مذهبی به حدی بود که تمامی مبلغانی که حتی اطلاع کمی نیز از ادبیات فارسی داشتند، در کار ترجمه همکاری می‌کردند و با توجه به سرودهای ترجمه‌شده، در کل باید گفت بازده کار ترجمه در سطح قابل‌توجهی خوب بوده است. مبلغان، علاوه بر مراسم عبادی، این سرودها را در بیمارستان‌ها برای بیماران نیز می‌خواندند و موجب تعجب بیماران می‌شدند. به خاطر تناسب این سرودها با آهنگ‌های اروپایی، شنیدن آن‌ها برای شنوندگان شرقی تا حدی نامانوس بود. از این رو انجمن تبلیغی کلیسا در سال 1928 (1347ق) یعنی مقارن سال‌های پایانی دوره قاجاریه، کتابی مشتمل بر 31 سرود را به زبان فارسی و متناسب با آهنگ‌های شرقی چاپ و منتشر کرد و بدین ترتیب، یکی از مهم‌ترین ابزار تبلیغ مبلغان این هیات را در اختیار آنان قرار داد.

## 4. سفرنامه نویسی

بیشتر مبلغان مسیحی، گزارش اقامت چندساله خود در ایران و دیگر سرزمین‌های شرقی را به صورت سفرنامه نوشته و تنظیم کرده‌اند. این اسناد تنها در حیطة امور تبلیغی مبلغان مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، بلکه یکی از مهم‌ترین منابع برای تحقیق و پژوهش در ادوار تاریخی جهان و ایران محسوب می‌شوند. سفرنامه‌های مبلغانی مانند سانسون (کتاب دو جلدی وقایع‌نگار کرملیت‌ها که تاریخچه فعالیت مبلغان مذهبی کاتولیک در ایران را براساس یادداشت‌ها و گزارش‌های آنان در حد فاصل قرون 17 و 18 بیان می‌کند)، نامه‌های بازن (پزشک مخصوص نادرشاه) و نامه‌های کشیشانی که در حد فاصل دوره صفویه تا پایان دوران افشاریه در ایران اقامت داشتند، از جمله این موارد هستند. سفرنامه‌های مذکور، راهنمای مناسبی برای مبلغان تازه‌کار و داوطلب انجام امور تبلیغی در سرزمین‌های شرقی مانند ایران بودند که از اولین و مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به خاطرات و یادداشت‌های هنري مارتین اشاره کرد. این یادداشت‌ها - که پس از مرگ هنري مارتین به گونه‌ای تصادفی به انگلستان رسیدند - را اعضای انجمن تبلیغی کلیسا، چاپ و منتشر کردند. همچنین یادداشت‌های پیتر گوردون با عنوان بخشی از دفتر روزانه سفر در ایران در 1830، تالیفات جان کیتو با عناوین نظری به دربار ایران با توجه به کاربرد کتاب مقدس و کشور و مردم ایران و شرح سفرهای ژوزف ولف در سه کتاب، آثار کلارا رایس با عناوین ماری برد در ایران 2 و زنان ایرانی و رسوم

آن‌ها، 3 اثر ناپیر مالکم 4 (از مبلغان و معلمان انجمن تبلیغی کلیسا در یزد) با عنوان پنج سال در یک شهر ایرانی<sup>5</sup> و اثر اسقف لینتون که سر پرستی سایکس مقدمه‌ای بر آن نوشته است، با عنوان شرح‌های خلاصه ایرانی<sup>6</sup> از این جمله می‌باشند.

فهرست برخی از انتشارات انجمن تبلیغی کلیسا درباره ایران را به شرح ذیل می‌توان بر شمرد: نامه‌های اسقف لینتون با عنوان پیشرفت ایران؛ 7 نظری اجمالی به ایران 8 درباره تاریخ، جغرافیا و رسوم متداول؛ پزشکان در ایران 9 اثر امیلین استوارت که شرح هیات پزشکی انجمن تبلیغی کلیسا در ایران را دربردارد؛ ایران قدیم و جدید، 10 اثر ویلسون کش؛ گریه یک کودک، گزارش‌های درباره قالی‌بافان کرمان که یکی از پرستاران انجمن تبلیغی کلیسا نگاشته است؛ کلوجه ایرانی، 11 کتابی با جداول، بازی‌ها، تصاویر و داستان‌های ایرانی؛ حسن پسر یک راهزن، 12.

### 5. فعالیت پزشکی

مبلغان مسیحی معتقد بودند یک پزشک مبلغ، باید نسخه زنده انجیل باشد، چون پزشکان می‌توانند با التیام بخشیدن به دردهای بیماران، تأثیر عمیقی در روحیه آن‌ها ایجاد کنند. بر این اساس، آنان بر این باور بودند که پزشک هیات تبلیغی نباید هیچ‌گاه فراموش کند که وی در وهله اول یک مبلغ است تا یک پزشک. طبیعی است برخلاف یک معلم مبلغ که تنها با کودکان سروکار دارد، یک پزشک مبلغ، می‌تواند با تمامی فشارهای مختلف اجتماعی ارتباط برقرار کند و در شرایطی که بیمار شدیداً به کمک وی احتیاج دارد، به‌نوعی مقدمات تبلیغ و تئیشیر وی را فراهم سازد. درواقع همان‌گونه که در مجمع جهانی امور تبلیغ مسیحیت در سال 1910 (1328ق) اعلام شد، مراقبت‌های پزشکی، بخش درست و ضروری کار تبلیغ است.

هنگامی که مبلغان انجمن تبلیغی کلیسا در ایران مستقر شدند، اگر چه از میزان جنگ‌های داخلی و خارجی کاسته شده بود، ولی شیوع امراض واگیر و قحطسالی‌های مکرر، روزبه‌روز بر شمار جمعیت بیمار در ایران می‌افزود. تنها در حد فاصل سال‌های 1835-1861 (1251-1278ق) هشت‌بار وبا در تبریز شایع شد؛ و حال آنکه به سبب پایین بودن سطح بهداشت عمومی، امکان ابتلا به بسیاری از بیماری‌های دیگر مانند حصبه و ذات‌الریه و امثال آن‌ها نیز در جامعه وجود داشت. اگرچه در این دوران، پزشکان ایرانی با روش‌های سنتی، مداوای بیماران را بر عهده داشتند، اما با توجه به میزان تخصص آن‌ها، این گروه نمی‌توانستند جوابگوی تمامی بیماران باشند. درواقع، در صورت وجود نیروی کافی برای درمان نیز، روش‌های آنان بسیار ابتدایی بود و نتایج مثبتی به دنبال نداشت. از این جهت، مبلغان انجمن تبلیغی کلیسا در ایران، در اولین گام‌های تبلیغی خود، رسیدگی به بیماران و قحطی‌زدگان را بر عهده گرفتند و در برخی مناطق - مانند کرمان - هیات پزشکی، اولین مرکز و پایگاه تبلیغی مبلغان انگلیسی به شمار می‌رفت. مبلغان از ساعت شش صبح تا حدود ساعت هشت بعد از ظهر از بیماران عیادت می‌کردند و در برخی موارد هر پزشک مبلغ با دستیارش، حدود چهل تا شصت بیمار را مداوا می‌کرد. برخی از پزشکان - مانند دکتر کار - پس از مداوای بیماران یک جلد کتاب مقدس نیز به آنان اهدا می‌کردند.

### 6. تأسیس مدرسه به سبک مسیحی

بیشتر مبلغان مسیحی تلاش می‌کردند برنامه‌های تبلیغی خود را در قالب کلاس‌های آموزشی در مدارس خودساخته دنبال کنند. در مدارس مسیحی، علاوه بر آموزش عقاید مسیحی و زبان انگلیسی، انواع فنون و هنرهای پسرانه و دخترانه نیز آموزش داده می‌شد. مبلغان، ابتدا تلاش می‌کردند کودکان مسیحی ایرانی را به این مدارس بکشانند و در برخی موارد تلاش می‌کردند کودکان یهودی و مسلمان را نیز در این مدارس ثبت‌نام کنند. هدف آنان از ثبت‌نام کودکان مسلمان، دعوت آن‌ها به آیین مسیحی بود. البته بیشتر کودکانی که در خانواده‌های مذهبی تربیت شده بودند، کمتر به آرای مبلغان توجه می‌کردند. از جمله این دانش‌آموزان می‌توان به میرزا محمد فرخی یزدی، از شاعران قرن چهاردهم هجری قمری، اشاره کرد. وی به سال 1888 (1306ق) در یزد متولد شد و پس از فراگیری تحصیلات مقدماتی در مدرسه مبلغان انگلیسی، در این شهر به تحصیل پرداخت. او مدتی بعد، با تعلیمات آن‌ها به مخالفت پرداخت و در پانزده سالگی اشعاری بدین مضمون بر ضد فعالیت‌های آنان سرود:

سخت بسته با ما چرخ، عهد سست پیمانی  
داده او به هر پستی، دستگاه سلطانی

دین ز دست مردم برد، فکرهای شیطانی  
جمله طفل خود بردند در سرای نصرانی

صاحب‌الزمان! یک ره سوی مردمان بنگر

کز پی لسان گشتند، جمله تابع کافر

پس از نمازشان خوانند ذکر عیسی اندر بر  
پا رکاب کن از مهر، ای امام بر و بحر

فرخی یزدی به خاطر سرودن این اشعار از مدرسه اخراج شد و تحصیلات او متوقف گردید. وی که از یک خانواده متوسط برخاسته بود، پس از اخراج از مدرسه در کارگاه پارچه‌بافی و مدتی نیز در نانواپی به کار پرداخت؛ اما همچنان از سرودن شعر غافل نبود. علاوه بر فرخی یزدی، گروه دیگری از شاگردان مدارس مبلغان انگلیسی نیز آشکارا با ترجمه سرودهای مذهبی به زبان فارسی و خواندن آنها در مدارس مخالفت می‌کردند که در یادداشت‌های برخی مبلغان انگلیسی به این امر اشاره شده است.

در مقابل این گروه از دانش‌آموزان، برخی دیگر، به‌ویژه کودکان بی‌سرپرستی که از سنین خردسالی در مدارس مبلغان تربیت می‌شدند، به تدریج به پذیرش آرا و تعالیم مبلغان متمایل می‌شدند. برخی نیز به توصیه والدین خود که به نوعی تحت تأثیر تعالیم مبلغان قرار گرفته بودند، در این مدارس تحصیل می‌کردند و با توجه به جو حاکم بر محیط خانوادگی خود، مبنی بر حمایت از آموزش‌های مبلغان مسیحی، به سلك پیروان عقاید آنان در می‌آمدند.

#### 7. ارتباط با عشایر ایرانی

اکثر مبلغان مسیحی متمایل بودند با عشایر ارتباط برقرار کنند. ارتباط بین مبلغان انگلیسی و عشایر از یک نیاز دوجانبه نشأت می‌گرفت؛ بدین‌معناکه مبلغان مذهبی معتقد بودند به سبب بعد مسافت و دوربودن محل زندگی عشایر از جامعه شهری، امکان توسعه فعالیت تبلیغی بیشتری را خواهند داشت و می‌توانند به دور از نظارت حکام محلی و عامه مردم، به آسانی با عشایر ارتباط برقرار کنند؛ در مقابل، عشایر که به سبب دوربودن از شهرها، با کمبود امکانات آموزشی و پزشکی روبه‌رو بودند، از حضور پزشکان مبلغ در بین خود خشنود می‌شدند. خان‌های عشایر بختیاری و قشقایی حاضر بودند برای اقامت مبلغان آموزگار یا پزشک، تمامی لوازم و امکانات مورد نیاز آنها را با حقوق مکفی در اختیار ایشان قرار دهند. طبیعی است مبلغان انگلیسی نیز از این امر استقبال می‌کردند. در دوره قاجاریه، شماری از پزشکان انجمن تبلیغی کلیسا برای مدتی در بین عشایر ناحیه غرب و جنوب غربی ایران، به فعالیت آموزشی و پزشکی پرداختند. دکتر الیزابت راس در کتاب خود به نام «با من به سرزمین بختیاری بیایید شرحی از اقامت خود در ایل بختیاری را بیان کرده است. همچنین کلارا راس در کتاب «ماری برد در ایران به اعزام پزشکان بیمارستان انجمن تبلیغی کلیسا برای مداوای خان‌های بختیاری اشاره کرده و بخشی از کتاب دیگر خود زنان ایرانی و رسوم آنها را به توصیف و وضع زنان قشقایی و بختیاری و جامعه آنها اختصاص داده است. لازم به ذکر است که برخی خان‌های عشایر، فرزندان خود را پیش از تحصیل و اعزام آنان به اروپا، به مدرسه مبلغان انگلیسی می‌فرستادند و الیزابت راس در کتاب خود به مواردی از این قبیل اشاره کرده است.

#### 8. تلاش برای جذب دربار و حکام محلی

گروه‌های مذهبی برای رسمیت‌بخشیدن به فعالیت‌های خود، نه تنها به حمایت انجمن‌های مذهبی و دولت‌های غربی نیاز داشتند، بلکه اعطای اجازه حکمرانان ایران مبنی بر آزادی مذهبی، ضامن اجرای فعالیت‌های تبلیغی آنان بود. از این جهت، هیأت‌ها و مبلغان مذهبی پس از اقامت در ایران در صدد کسب فرامینی از مقامات دولتی برمی‌آمدند که متن آنها در کتب اسناد تاریخی موجود است.

بر طبق اسناد موجود در بایگانی هیأت انجمن تبلیغی کلیسا در لندن، در ماه ژوئن 1873 (1290ق) اعضای این هیأت و هیأت‌های مذهبی دیگر، تقاضانامه‌ای درباره استقرار آزادی مذهب در ایران به حضور ناصرالدین‌شاه تسلیم کردند. در تقاضانامه مزبور، به وضع نابسامان مسیحیان نسطوری و ارمنی اشاره گردیده و از شاه درخواست شده است:

همان‌طور که سی‌میلیون از رعایای مسلمان ملکه انگلستان در هندوستان، همراه با رعایای هندو، زرتشتی و پیروان سایر مذاهب، از تساوی حقوق مدنی و آزادی کامل برخوردارند، همان نوع آزادی، نه به عموم مسیحیان، بلکه به همه طبقات از یهودی و زرتشتی و هر فردی از افراد دیگر از رعایای شاه که به حقیقت مسیحیت معتقد بوده و بخواهد پیروی خود را آزادانه از آن دین اعلام نماید، اعطا شود. در همان گزارش ماهانه هیأت انجمن تبلیغی کلیسا، ترجمه نامه جوابیه میرزا ملک‌خان (مورخ پنجم ژوئیه 1873) وجود دارد که با این عبارات آغاز می‌شود:

«شاه به من فرمان داده‌اند که وصول تقاضانامه مبنی بر وضع پریشان نسطوریان و آرامنه را اعلام نمایم.»

وی پس از تمهید مقدمات، سخنان تفقدآمیزی در نامه خود می‌آورد مبنی بر این‌که رعایای نسطوری و

ارمني از آزادي كامل مذهبي و حقوق مدني برخوردار خواهند شد و ناصرالدين شاه از وجود تبعيضات مذهبي و حقوقي بين رعاياي خود بي خبر بوده است. اما بهرغم فراميني كه اين مبلغان براي ادامه فعاليت هاي مذهبي خود از شاه دريافت كردند، آنان براي حفظ موقعيت خود در شهرهايي كه مستقر بودند، بايد با حكام محلي نيز مناسبت هاي مسالمت آميزي برقرار مي كردند و اين امر در برخي اوقات مشكلاتي براي آنان به وجود مي آورد؛ چراكه در صورت بروز هرگونه نارضايتي، حاكم محلي مؤسسات آنها را تعطيل مي كرد و مبلغان نيز به هيچ وسيله اي نمي توانستند كار تبليغي خود را دنبال كنند. به عنوان مثال، اگرچه ظل السلطان، حاكم اصفهان، شخصاً معلمي انگليسي به نام اسپاروي را براي تعليم كودكان خود استخدام کرده بود و به جانبداري از اتباع انگلستان نيز بي ميل نبود، اما آن گونه كه آرتور ارنولد در كتاب خود، در ايران با كاروان، 13 ذكر مي كند، وي پس از بروز نارضايتي هاي عمومي ناشي از فعاليت مبلغان انگليسي، مدني مدرسه اين هيات را تعطيل کرده بود. 14.

سند ذيل كه ظل السلطان آن را خطاب به ناصرالدين شاه نوشته است، اين ادعا را تأييد مي كند: «تصديق خاك پاي همايونت شوم - البته در نظر انور اقدس همايون - ارواح العالمين فداه - است كه غلام بعد از سفر سال دويم كه از اصفهان شرف اندوز حضور مبارك گرد يده، مراجعت به اصفهان آمد، كتابچه اي در باب كشييش پروسوي، به خاك پاي همايون معروض داشت، كه ثبت آن كتابچه هنوز در نزد غلام موجود است. و شرحي از حالات و شيطنت او معروض داشتم كه در ايام قحطي چقدر پول به مردم اصفهان داده و حالا مدرسه باز کرده و جمعي از اطفال ارامنه جلفا را به اسم تحصيل علوم در آن مدرسه برده و جمعي از ارامنه جلفا را ثبت داده و هر سال چند نفر از اين اشخاص را به همراه خود به هندوستان مي برد و از جانشين هندوستان براي آنها نوشته مي گيرد كه تبعه انگليس باشند و اكنون در جلفا، جمعي پيدا شده اند كه همه مذهب پروتستاني پيدا کرده و از تبعه دولت انگليس اند و همه اين ها كه در اصفهان و جلفا، ملك و علاقه و خانه و زندگي و عيال و قوم و خويش دارند، رفته رفته يك جمع تبعه خواهند شد و اين اخگر نيم سوخته وقتي مشتعل خواهد شد، آتش آن اغلب جاها را خواهد سوزاند. عرض نمي كنم كه اين كار به زودي خواهد شد، بلكه تا بيست، سي سال ديگر هم صورت نگیرد، ولي اين حضرات، تخمي مي كارند و مي دروند تا چه وقت ثمر كند. اكنون هم ريشه آن كار سخت شده و حالا به اختصار، نمي توان قلع و قمع نمود و كاري است كه چون موقع از دست رفته، به سهولت نمي توان رفع كرد. اكنون نيز چندي است بعضي از انگليسي ها، متواتر به ايران مي آيند و از راه بنادر فارس، از كشتي پياده شده، مختلفاً كوه ها را گردش مي كنند و به اصفهان مي آيند و اسم خود را سياح مي گذارند. از جمله، چندي قبل شخصي انگليسي كه حاكم بريلي هندوستان بود، از راه بندرعباس آمده در كوهستانات گرمسيرات فارس گردش کرده، از راه كرمان و يزد به اصفهان آمد. واضح است كه حاكم بريلي بدون مأموريت از طرف دولت، به ايران نخواهد آمد، ولي خودش در همه جا مي گفتم كه من سياحم و محض سياحت آمده ام. چند دفعه هم مايل شد كه نزد غلام بيايد، ولي غلام چون از جنس انگليسي ها انزجار دارم، به دفع الوقت گذراندم.»

ناصرالدين شاه در حاشيه گزارش ظل السلطان نوشته است: «ظل السلطان! اين عريضه را درست خواندم. در اين فقرات خيلي بايد دقت كرد. آنچه عمل كشييش است، او را هم از ابتدا الي انتها و اين كه چه كارها کرده اند و مي كنند و كدام يك از كارهاي آنها حالا و مآلاً ضرر دولت است، بنويسيد براي وزير خارجه محرمانه بفرستيد. اينجا غور مي شود و دستورالعمل صحيح براي شما فرستاده مي شود، هر طور حكم بشود شما رفتار بكنيد. آنچه سياحان انگليسي هستند، منع سياحت آنها را كه آشكارا نمي توان كرد، اما دو كار مي توان كرد و آن تكليف شما است: ولاً طوري باطناً رفتار بكنيد كه به آنها خوش نگذرد و يك اسباب وحشتي در سياحت خود ملاحظه کرده، ديگر ميل به سياحت نكنند. و اين فقره را هم از الوار و اكراد بدانند نه از شما. ثانياً طوري روزنامه نويس مخفي داشته باشيد كه عمالي كه مي كنند و حرف هايي كه مي زنند با ايلات و مردم، هر خيالاتي كه دارند، فهميده شود. اين دو كار هر دو لازم است.» 15

فارغ از جوابيه ناصرالدين شاه به ظل السلطان، از سند فوق به خوبي برمي آيد كه آن هنگام اگر يك حاكم محلي مثل ظل السلطان با مبلغان مسيحي درمي افتاد، به راحتی مي توانست از فعاليت هاي آنها جلوگيري كند. اما جالب آنكه ظل السلطان خود نوكر انگليس بود و با آنها كاملاً همسويي داشت. در واقع اين اختلاف ميان وي و مبلغان مسيحي كاملاً موردی بود. 16 در ادامه به معرفي سه تن از فعال ترين و مؤثرترين مبلغان مسيحي خواهيم پرداخت.

ادامه دارد...

## ماهنامه موعود شماره 75

### پي نوشت ها:

1. برومند، صفورا، پژوهشي بر فعاليت انجمن تبليغي كليسا در دوره قاجار، تهران، موسسه

- مطالعات تاریخ معاصر، چ 1، 1381، صص 203 - 200 (با تلخیص، تغییر و تصرف).
2. *Mary Bird in Persia* : رایس کتابش را با استناد به نامه‌ها و یادداشتهای مری برد - که در ایران به «خانم مریم» معروف بود - در باره زندگی او نوشت. از نامه‌ها و یادداشتهای خانم مریم، اطلاعات مهمی درباره اوضاع اجتماعی ایران، قدرت و نفوذ روحانیون، شیوه زندگی زنان و مردم اصفهان و کرمان و آداب و رسوم رایج در کشور به دست می‌آید که نظایر آن اطلاعات و آگاهی‌ها را در کمتر کتاب مشابه می‌توان سراغ گرفت. مری برد در سال 1891 م به ایران آمد و به مدت شش سال در اصفهان و جلفا کار و زندگی کرد. وی در 1897 به انگلستان بازگشت و در اوایل 1899 دوباره به ایران آمد و چند سالی در یزد و کرمان ماند و در سال 1914 درگذشت. ماشاءالله اجودانی، مشروطه ایرانی، تهران، اختران، چ 4، 1383، صص 497 - 498
3. *Persian Women and Their Ceremonies*  
 Napier Malcolm .4  
 Five Years in a Persian Town .5  
 Persian Sketches .6  
 The Development of Persia .7  
 Glimpses of Persia .8  
 Doctors in Persia .9  
 Persian Old and New .10  
 Persian Pie .11  
 The Robberts Son Hassan .12  
 Through Persian by Caravan .13
14. برومند، صفورا، همان، صص 200 - 232 (با تلخیص، تغییر و تصرف).
15. همان، صص 277 - 280 (با تلخیص، تغییر و تصرف).
16. از جمله دلایل دال بر همسوبودن ظل‌السلطان با انگلیسیها، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد.